



The Modality of Women's Influence on the Sociological Functions of 'Nosrat-e Elahi' (Divine Victory) through the Desacralization of Hegemonic Power"

Masoumeh Haji Maghsoudi

Faculty Member, Department of Islamic Studies, Kerman University of Medical Sciences; Instructor at Rokn al-Hoda Specialized Seminary.

Abstract:

"In new religious discourses, a special place has been defined for women in the processes of divine assistance (Nosrat-e Elahi) with an anti-arrogance (Estekbār-stīzī) approach. The fundamental question is how women, relying on their lived experience of oppression, can engage in the desacralization of a power that presents itself as absolute and sacred, and bring about a transformation in the sociological functions of divine victory (Nosrat-e Elahi). This research, employing a descriptive-analytical method and aiming to reinterpret the sociological theory of religion from a gender perspective, seeks to present a model for social change based on desacralization and to open a new horizon in feminist theology. Women play an irreplaceable role in realizing the sociological functions of divine victory through four pathways: narrating and retelling the memories of resistance to break the psychological dominance of arrogance (Estekbār); consciously raising children within the family as a laboratory of thought; encouraging and mobilizing resistance forces; and forming faith-based networks and organizations. The belief in divine victory (Nosrat-e Elahi) demonstrates its effectiveness in confronting arrogance only when women actively engage in three arenas: 'narration', 'family upbringing', and 'organizational activism'."

Keywords: Women's Influence, Religious Sociology, Divine Victory, Anti-Arrogance.



نقش زنان در کارکردهای جامعه‌شناختی نصرت الهی با تقدیس‌زدایی از استکبار

معصومه حاجی مقصودی

عضو هیئت علمی گروه معارف دانشگاه علوم پزشکی کرمان؛ مدرس مدرسه علمیه تخصصی رکن‌الهدی کرمان.

چکیده

در گفتمان‌های نوین دینی، برای زنان در فرآیندهای یاری‌رسانی الهی با رویکرد استکبارستیزی جایگاه ویژه‌ای تعریف شده است. پرسش بنیادین آن است که زنان چگونه می‌توانند با تکیه بر تجربه‌ی زیسته‌ی خود از ظلم، به تقدیس‌زدایی از قدرتی پیردازند که خود را مطلق و مقدس جلوه می‌دهد یا چگونه ممکن است زنان در کارکردهای جامعه‌شناختی نصرت الهی تحول ایجاد کنند. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و با هدف بازخوانی نظریه‌ی جامعه‌شناختی دین از منظر جنسیت و ارائه‌ی الگویی برای تغییر اجتماعی مبتنی بر تقدیس‌زدایی و گشودن افقی جدید در الهیات فمینیستی انجام شده است. زنان از چهار طریق نقش بی‌بدیلی در تحقق کارکردهای جامعه‌شناختی نصرت الهی ایفا می‌کنند: روایتگری و بازگویی خاطرات مقاومت برای شکستن هیمنه‌ی روانی استکبار، تربیت آگاهانه‌ی فرزندان در خانواده به‌مثابه‌ی آزمایشگاه فکری، تشویق و بسیج نیروهای مقاومت و تشکیل شبکه‌های ایمانی و تشکل‌ها. بدین ترتیب باور به نصرت الهی، زمانی کارآمدی خود را در مواجهه با استکبار نشان می‌دهد که زنان در سه عرصه‌ی «روایتگری»، «تربیت خانوادگی» و «تشکل‌گرایی» نقش‌آفرینی فعال داشته باشند.

واژگان کلیدی: نقش زنان، جامعه‌شناختی دینی، نصرت الهی، استکبارستیزی.

۱. مقدمه

جامعه‌شناختی دین نشان می‌دهد که باور به نصرت الهی، هیمنه‌ی روانی و قدرت پوشالی استکبار را در ذهن جامعه درهم می‌شکند. وقتی باور کنیم که قدرت حقیقی در دست خداست، دیگر مستکبر، خدایگان نیست. این تقدیس‌زدایی، به جرأت و شجاعت جمعی برای مقابله با زورگویی‌ها می‌انجامد. در تحلیل جامعه‌شناختی باور به نصرت الهی، بانوان به عنوان کانون‌های اصلی انتقال فرهنگ و هویت‌بخشی به جامعه و نیز عامل محوری در حفظ و تقویت سرمایه‌ی اجتماعی معنوی، جایگاهی بی‌بدیل دارند. در بسیاری از گفت‌وگوهای دینی سنتی، مفهوم نصرت الهی (یاری رساندن به حق و حقیقت) به طور عمده در بستر مردانه تعریف شده است؛ جایی که قدرت الهی به مثابه‌ی حقیقتی تقدیس‌شده در دست نهادهای قدرتمندِ پدرسالارانه تفسیر می‌گردد. این تفسیر سنتی، زنان را در حاشیه‌ی فرایندهای یاری‌رسانی الهی قرار داده است.

تاکنون پژوهش‌های جامعه‌شناختی دینی، کمتر به نقش زن در تقدیس‌زدایی از قدرت‌های استکباری در بازتعریف نصرت الهی پرداخته‌اند. آنچه در این میان مغفول مانده، بررسی این فرایند است که چگونه زنان با نقد تقدس‌زدگی قدرت‌های سلطه‌گر (استکباری)، می‌توانند نصرت الهی را از یک مفهوم انتزاعی مردانه به یک کنشی جمعی، زمینی و عدالت‌محور تبدیل کنند؛ کنشی که نه در خدمت حفظ وضع موجود، بلکه در جهت دگرگونی ساختارهای ناعادلانه عمل می‌کند.



پرسش بنیادین آن است که چگونه زنان با تکیه بر تجربه‌ی زیسته‌ی خویش از ظلم و استعمار ملت‌ها، می‌توانند به تقدیس‌زدایی از قدرت استکباری- قدرتی که خود را مطلق و مقدس جلوه می‌دهد- پردازند و در کارکردهای جامعه‌شناختی مفهوم نصرت الهی تحول ایجاد کنند.

اهمیت این پژوهش در چند سطح قابل تبیین است:

اول؛ بازخوانی نظریه‌ی جامعه‌شناختی دین که به شکاف نظری میان جامعه‌شناسی دین، مطالعات جنسیت و نظریه‌های انتقادی قدرت پاسخ می‌دهد. توضیح آن که تاکنون مفهوم نصرت الهی به طور عمده در الهیات سنتی بحث شده، اما ابعاد جامعه‌شناختی آن به‌ویژه از منظر زنان به‌عنوان کنشگران تقدیس‌زدا بررسی نشده است.

دوم؛ ارائه‌ی الگویی برای تغییر اجتماعی. زیرا از آنجا که قدرت استکباری همواره خود را به قداست می‌آراید، تقدیس‌زدایی از آن توسط زنان می‌تواند به الگویی عملی برای جنبش‌های عدالت‌خواه در جوامع دینی تبدیل شود.

این پژوهش نشان می‌دهد که نصرت الهی، برخلاف برداشت‌های منفعلانه، می‌تواند مفهومی رهایی‌بخش و دگرگون‌ساز باشد. سوم؛ گشودن افق جدید در الهیات فمینیستی. تاکنون مقالات متعددی به موضوع استکبارستیزی پرداخته‌اند که بعضی از آن‌ها به محتوای این پژوهش نزدیک است؛ از جمله مقاله‌ی «تحلیل عزت و استکبارستیزی در بیانیه گام دوم انقلاب با محوریت آیه ۲۹ سوره فتح» (۱۳۹۹) از محمد کااوند که به این نتایج





دست یافته که استکبارستیزی و حفظ عزت و استقلال با فطرت انسان‌ها سرشته شده است. لذا بنا بر پایه‌ی آموزه‌های آیه‌ی فوق و بیانیه‌ی گام دوم، با تکیه بر اقتدار اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و سرمایه‌های داخلی، می‌توان جلوی هرگونه تعدی کفار را بر بلاد مسلمانان گرفت و عزت و استقلال مسلمانان، بلکه بلاد مسلمین را تضمین کرد.

مقاله‌ی «مبانی ظلم‌ستیزی در اسلام و نقش مداحان در گسترش روحیه ظلم‌ستیزی در جامعه» (۱۳۹۹) نوشته‌ی عباس حیدرزاده، مهدی فرمانیان، ناصر رفیعی محمدی و حبیب حاتمی کنکبود که به نقش مداحان در آگاهی‌بخشی به مردم در زمینه‌ی ظلم به خداوند در اموری همچون شرک، ریا و توسل غیرمشروع و نیز مبارزه با آن‌ها پرداخته است.

مقاله‌ی «توطئه دول غرب علیه انقلاب اسلامی و راهبرد مقابله با آن (با تکیه بر فرمایشات مقام معظم رهبری)» (۱۴۰۲) از حسن جوادی‌نیا که به بیان راهبردهایی همچون تقویت روحیه‌ی استکبارستیزی و آمادگی و افزایش توان همه‌جانبه‌ی دفاعی پرداخته و در ادامه به تبیین راهکارهای مقاومت اقتصادی در مؤلفه‌هایی مانند حمایت از کالای ایرانی در سه حوزه‌ی تولیدکننده، مصرف‌کننده و مسئولین، رونق تولید، پرهیز از اسراف، تقویت سبک زندگی ایرانی اسلامی با الگوگیری از نهضت امام حسین (ع) پرداخته است.

پژوهش حاضر، راهی عملی برای بازتعریف مشارکت زنان در یاری الهی از مسیر افشای قدرت‌های استکباری به دست داده و با روش توصیفی-تحلیلی به چگونگی تأثیرگذاری زنان بر کارکردهای جامعه‌شناختی نصرت الهی در مواجهه با استکبار می‌پردازد.

۲. نقش بانوان در تقدیس‌زدایی از استکبار ۲.۱. الگوسازی، روایتگری و روایت‌پردازی

زنان به عنوان حافظان و راویان اصلی خاطرات و ارزش‌های مقاومت (از طریق مادران شهدا، همسران ایثارگران و زنان رزمنده) با بازگویی تجربیات و داستان‌های پیروزی‌های معنوی در برابر قدرت‌های مادی، هیمنه‌ی پوشالی استکبار را در ذهن نسل‌های جدید می‌شکنند. این روایت‌ها از طریق ادبیات شفاهی، هنر و رسانه، استکبار را نه یک قدرت شکست‌ناپذیر، بلکه یک قدرت مادی با ضعف‌های بنیادین معرفی می‌کنند که با توکل و نصرت الهی قابل غلبه است.

زنان علاوه بر روایتگری با روایت‌پردازی و کشف معنای نهفته در رویدادها می‌توانند آن‌ها را از یک رخداد عینی به نمادی تأثیرگذار ارتقا دهند که در حافظه‌ی جمعی جامعه نهادینه شود؛ برای مثال، عملیات طوفان‌الاقصی با سلاح روایت فراتر از یک درگیری نظامی به نماد بیداری امت اسلامی در مقابل رژیم صهیونیستی تبدیل شد. جریان‌سازی اجتماعی روایت می‌تواند سلاح قدرتمندی در مقابل استکبار باشد. تجربه‌ی زیسته نشان می‌دهد تغییرات بزرگ، زمانی رخ می‌دهند که مردم حول یک هدف و روایت مشترک گرد هم آیند. در واقع روایت‌ها با برانگیختن احساسات و شکل‌دهی به افکار عمومی می‌توانند تعبیرات شگرفی در تغییر قدرت‌ها و شکستن هیمنه‌ی استکبار داشته باشند (فرهنگ و شعبان‌پور، ۱۴۰۴، ص ۳۳-۳۵).





اولین بنیانگذار مکتب روایت که دکترین جدیدی در پیروزی نبرد ارائه داد، حضرت زینب علیها السلام هستند. امام شهید، درباره‌ی این مکتب مجاهدانه می‌فرماید: «نکته‌ی مهم دیگر در زندگی این بزرگوار که آن هم باز نشانه‌ی تدبیر است این است که این بزرگوار جهاد تبیین را، جهاد روایت را راه انداخت. نگذاشت و فرصت نداد که روایت دشمن از حادثه غلبه پیدا کند؛ کاری کرد که روایت او بر افکار عمومی غلبه پیدا کند. حالا تا امروز روایت زینب کبری علیها السلام از حادثه‌ی عاشورا در تاریخ مانده؛ اما در همان زمان هم تأثیر گذاشت در شام، در کوفه، در مجموعه سال‌های حکومت اموی و منتهی شد به ساقط شدن حکومت اموی. ببینید؛ این درس است؛ این همان حرفی است که بنده همیشه می‌گویم؛ شما روایت کنید حقایق جامعه‌ی خودتان و کشور خودتان و انقلابتان را. شما اگر روایت نکنید دشمن روایت می‌کند... هرچور دلش می‌خواهد توجیه می‌کند، دروغ می‌گوید؛ آن هم ۱۸۰ درجه خلاف واقع. جای ظالم و مظلوم را عوض می‌کند» (بیانات در دیدار پرستاران و خانواده شهدای سلامت، ۲۱ آذر ۱۴۰۰).

۲.۲. کادرسازی فکری در خانواده

از ویژگی‌های مهم خانواده این است که در آن، تربیت جامع شکل می‌گیرد. به عبارت بهتر تربیت در خانواده، با توجه کامل به ویژگی‌ها و ظرفیت‌های فردی انجام می‌شود (زیبایی‌نژاد، ۱۳۹۱، ص ۱۴۶). تربیت آگاهانه در درون خانواده، می‌تواند منجر به شکل‌گیری شبکه‌ای از کنشگران فرهنگی شود که نظام معناپردازی استکبار را تقدس‌زدایی کرده و



مشروعیت آن را در ذهن جامعه فرو می‌ریزد. از دید امام شهید انقلاب، عنصر اصلی خانواده، زن است و اگر زن خانواده عاقل و باتدبیر و خانه‌دار باشد خانواده را حفظ می‌کند (ترکان و همکاران، ۱۴۰۳، ص ۲۱۲ برگرفته از بیانات در اجتماع زنان خوزستان، ۱۳۷۵/۱۲/۲۰).

ایشان خانه‌داری را این‌گونه معنا می‌فرمایند: «معنای خانه‌داری زن، تربیت انسان است؛ معنایش تولید والا ترین و بالاترین محصول و متاع عالم وجود یعنی بشر است» (همان، ص ۲۱۵ برگرفته از بیانات در دیدار با مداحان، ۱۳۹۵/۱۲/۲۹).

هرچند خانواده در نگاه نخست، نهادی غیرسیاسی است، اما از سیاسی‌ترین نهادهای اجتماعی به شمار می‌رود؛ زیرا با ایجاد و تقویت ظرفیت‌های سیاسی، اعضای خود را برای کنش‌های درست سیاسی پرورش می‌دهد (زیبایی‌نژاد، ۱۳۹۱، ص ۱۴۷).

در حقیقت مادران با آموزش مستقیم و غیرمستقیم توحید و توکل به فرزندان خود، از کودکی بنیان‌های فکری تقدیس‌زدایی از قدرت‌های ظاهری را در ذهن آن‌ها بنا می‌نهند. این تربیت، فرزندان را در برابر تبلیغات و هژمونی فرهنگی استکبار مقاوم می‌کند و به آن‌ها می‌آموزد که معیار قدرت، فقط ابزارهای مادی نیست؛ بلکه اراده‌ی الهی مؤثرترین عامل است. علاوه بر این زنان در طول تاریخ در کسوت مادری و همسری و دختری، با تشویق و ترغیب مردان به حضور در میدان جهاد و مقاومت، نقش بی‌بدیلی در بسیج نیروهای مردمی ایفا کرده‌اند. از دید امام شهید انقلاب، این زنان هستند که همسران و فرزندان خود را برای حضور در خطرناک‌ترین میدان‌ها و جبهه‌ها آماده و تشجیع می‌کنند (ترکان و همکاران، ۱۴۰۳، ص ۲۱۲).



خدای متعال طبیعت زن را طوری آفریده که اگر زن و مرد، طبیعی و سالم باشند و زن خانواده، عاقل باشد کسی که در دیگری نفوذ بیشتری دارد زن است (ترکان و همکاران، ۱۴۰۳، ص ۲۲۴ برگرفته از بیانات در خطبه عقد، ۱۳۷۲/۰۳/۱۹).

پس زن در کانون خانواده که نخستین و پایدارترین عرصه‌ی جامعه‌پذیری است، نقشی بی‌بدیل در کادرسازی فکری ایفا می‌کند؛ نقشی که فراتر از انتقال ساده‌ی دانش بوده و به معنای نهادینه‌سازی الگوهای تفکر نقاد، نظام‌های ارزشی و روش‌های مسئله‌یابی است. زن با بهره‌مندی از ظرفیت‌های عاطفی و مدیریت گفتمان روزمره، بستری فراهم می‌آورد که در آن پرسشگری، استدلال‌ورزی و احترام به منطق جمعی به عنوان مهارت‌های پایه‌ی ذهنی در کودکان درونی می‌شود. زن در جایگاه راهبری نرم و هوشمند، نه صرفاً معلم اخلاق، بلکه معمار سبک اندیشیدن است؛ او با تنظیم پویای روابط کلامی و رفتاری، زمینه‌ی پرورش نسلی را فراهم می‌کند که توانایی تحلیل پیچیدگی‌ها، کشف روابط پنهان پدیده‌ها و اتخاذ تصمیمات مستدل را دارد. بدین سان، خانواده در گفتمان زنانه‌ی خود به یک آزمایشگاه فکری تبدیل می‌شود که در آن قدرت استنتاج، تحمل ابهام و خلق معنا از طریق گفتگو و همدلی پرورش می‌یابد.

از دید امام شهید انقلاب مادر در دامن پرمهر و عطوفت خود و با سخنان پر نکته و مهرآمیزش می‌تواند فرزندان سالمی را از لحاظ روحی تربیت کند. او از هر سازنده‌ای، سازنده‌تر و با ارزش‌تر است (ترکان و همکاران، ۱۴۰۳، ص ۲۲۶ برگرفته از بیانات در دیدار جمعی از بانوان، ۱۳۷۱/۰۹/۲۵).



زن با حساسیت شناختی و هوش هیجانی خود، شبکه‌ای از مفاهیم و نگرش‌ها را بازتولید می‌کند که نه تنها ذهن فردی، بلکه سرمایه‌ی فکری نسل‌ها را شکل می‌دهد. این نقش عمیق و بنیادین، از منظر جامعه‌شناختی و روان‌شناختی، خانواده را به نیروگاهی برای تولید سرمایه‌ی انسانی و فرهنگی تبدیل می‌سازد که محور آن زن است؛ زنی مبدع، منتقد و بازآفریننده‌ی الگوهای ذهنی.

۳.۲. شبکه‌سازی و تشکلیابی زنانه

در نظام اسلامی برای تقویت فکری و معنوی و مادی ارزش‌های اجتماعی باید ارتباط افراد ایمانی با یکدیگر قوی و گسترده باشد تا احساس دلگرمی و قدرت بیشتری داشته باشند (هاشمیان و جلوانی، ۱۳۹۷، ص ۹۶). برای تحقق این امر باید تشکلهای دینی قوی به روش بومی خود در قالب هیئت‌های مذهبی شکل گیرند (همان، ص ۷۴). همچنین برای انجام کارهای بزرگ باید رابطه‌های ایمانی، اعتقادی، علمی و دینی سازمان‌یافته داشت (همان، ص ۸۴ و ۸۵). از دید امام شهید انقلاب، بهترین راه و برترین حربه برای این که هدایت انقلابی در ذهن‌ها و جان‌ها نشانداده شود و به ثمر برسد تشکیلات است (مؤسسه ایمان جهادی، ۱۳۹۰، ص ۱۴۳ برگرفته از بیانات ۱۸/۰۹/۱۳۶۱). این تشکلهای باید دارای نظم، ارتباط و اتصال و زنجیره‌ای کار کردن بوده (مؤسسه ایمان جهادی، ۱۳۹۵، ص ۱۴۳) و پاسدار ارزش‌های الهی بوده و از سویی سازنده و آسان‌کننده‌ی خودسازی و یاری‌رساننده در سیر الی الله باشند (هاشمیان و جلوانی، ۱۳۹۷، ص ۹۱).



امام شهید انقلاب درباره‌ی ضرورت این موضوع می‌فرمایند: «هر چه زمان می‌گذرد، تجمع اصحاب حق را واجب‌تر و فوری‌تر احساس می‌کنم» (همان، ص ۳۴۳ برگرفته از بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۷۵/۰۹/۲۰). در این خصوص قطعاً زنان می‌توانند در قالب مساجد، حسینیه‌ها، بسیج خواهران، انجمن‌های خیریه و فرهنگی، شبکه‌های قوی از همبستگی معنوی ایجاد کنند. این شبکه‌ها، در زمان بحران، به پایگاه‌های حمایت اجتماعی و روانی تبدیل می‌شوند که با تقویت باور به نصرت الهی، انسجام جامعه را حفظ کرده و به اشتراک‌گذاری تجربیات مقاومت کمک می‌کنند.

در سیره‌ی بانوان بزرگ اسلام، نمود شبکه‌سازی را می‌توان در سیره‌ی حضرت زهرا (ع) و دختر بزرگوارشان حضرت زینب (ع) مشاهده کرد. حضرت زهرا (ع) برای ایجاد شبکه‌ی کنشگران اجتماعی اقدامات گسترده‌ای انجام دادند. ایشان با دعوت‌های شبانه، رفتن به در خانه‌های صحابه و برانگیختن انصار در پی ایجاد هسته‌های اولیه‌ی مبارزه علیه غاصبان بودند. هر چند این همراهی به میزانی که شایسته بود صورت نگرفت. حضرت زینب (ع) نیز با شبکه‌سازی، اقدامات ارزشمندی پی‌ریزی کردند. چنان که نهضت روایت‌های ایشان، سبب شبکه‌سازی کنشگران اجتماعی این حرکت تاریخی شد و قیام توابین و قیام مختار را رقم زد (فرهنگ و شعبان‌پور، ۱۴۰۴، ص ۱۴۵ و ۱۵۱).

امام شهید انقلاب در این باره توصیه‌ای قابل توجه دارند که باید مورد واکاوی قرار گیرد. ایشان فرموده‌اند: «کار فرهنگی، برف انبار نمی‌شود و این‌طور نیست که هر کس هر کاری



از دستش برآمد بکند. این گونه کار فرهنگی به درد نمی‌خورد. انبوه کار فرهنگی مهم نیست؛ بلکه انتظام کار فرهنگی، چیده‌شدن، گزیده‌شدن و هر کاری را در جای خود قرار دادن مهم است که باید هوشمندانه باشد. باید روشن باشد که اصلاً کار فرهنگی را برای چه هدفی انجام دهیم» (مؤسسه ایمان جهادی، ۱۳۹۵، برگرفته از بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۷۵/۰۹/۲۰).

نتیجه

در تحلیل جامعه‌شناختی باور به نصرت الهی، نقش بانوان به عنوان کانون‌های اصلی انتقال فرهنگ جامعه و عامل محوری حفظ و تقویت سرمایه‌های اجتماعی و مقابله با فرهنگ استعماری نقشی بی‌بدیل است. زیرا:

۱. زنان با بازگویی خاطرات مقاومت و پیروزی‌های معنوی و نیز روایت‌پردازی‌های خلاقانه، استکبار را نه یک قدرت شکست‌ناپذیر، بلکه موجودی دارای ضعف‌های بنیادین معرفی می‌کنند. بانوان با روایتگری و روایت‌پردازی می‌توانند مانع غلبه‌ی روایت دشمن شده و از طرفی، افکار عمومی را علیه استکبار بسیج کنند. نمونه‌ی آن حضرت زهرا علیها السلام و حضرت زینب علیها السلام هستند که نشان دادند روایت‌پردازی زنان می‌تواند تغییرات بزرگ سیاسی ایجاد کند.

۲. مادران با تربیت آگاهانه و نهاده‌سازی توحید، توکل و تقدیس‌زدایی از قدرت‌های مادی در فرزندان، نسلی مقاوم در برابر هژمونی فرهنگی استکبار پرورش می‌دهند. خانواده



به عنوان آزمایشگاه فکری، با محوریت زن، مهارت‌های پرسشگری، استدلال‌ورزی و تحلیل پیچیدگی‌ها را در کودکان درونی می‌کند.

۳. زنان در طول تاریخ با ترغیب همسران و فرزندان خود به حضور در میدان‌های خطرناک، نقش بی‌بدیلی در بسیج نیروهای مقاومت ایفا کرده‌اند. از دیدگاه امام شهید، زن نفوذ بیشتری در خانواده دارد و می‌تواند دیگران را به سمت حق هدایت کند.

۴. تشکیل شبکه‌های ایمانی و شکل‌های انقلابی توسط زنان، انسجام جامعه را در بحران‌ها حفظ کرده و با اشتراک‌گذاری تجربیات مقاومت، باور به نصرت الهی را تقویت می‌کند. سیره‌ی حضرت زهرا (ع) و حضرت زینب (ع) در ایجاد هسته‌های مبارزه و قیام‌های توانین و مختار، گواه این نتیجه است.

این نتایج نشان می‌دهد که باور به نصرت الهی، زمانی کارآمدی خود را در مواجهه با استکبار نشان می‌دهد که زنان در سه عرصه‌ی «روایتگری»، «تربیت خانوادگی» و «تشکیل‌گرایی» نقش آفرینی فعال و هوشمندانه داشته باشند.

منابع

* قرآن کریم

۱. ترکان، فاطمه و هدی صادق‌زادگان و سمانه مقصودی. **راه سوم (الگوی مترقی زن در منظومه فکری مقام معظم رهبری)**، تهران: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل، چاپ دوم، ۱۴۰۳.
۲. زیبایی نژاد، محمد رضا. **جایگاه خانواده و جنسیت در نظام تربیت رسمی**، قم: نشر هاجر، ۱۳۹۱.
۳. فرهنگ، مجتبی و ابوالفضل شعبان‌پور. **نبرد روایت‌ها**، قم: انتشارات شهید کاظمی، ۱۴۰۴.
۴. مؤسسه ایمان جهادی. **دغدغه‌های فرهنگی** (شرح مزجی یکی از بیانات محوری مقام معظم رهبری)، چاپ سی و پنجم، تهران: مؤسسه ایمان جهادی، ۱۳۹۵.
۵. هاشمیان، سلمان و جواد جلوانی. **به توان تشکیلات «تصاعد هندسی در فعالیت‌های فرهنگی انقلابی»**، اصفهان: حدیث راه عشق، ۱۳۹۷.

